

تلاش نافرجام در انکار نصب امام از یمن تا غدیر

نقدی بر تحریف دلالت حدیث غدیر، توسط برخی عالمان تسنن
و اقتباس وهابیان سعودی و برخی تأثیرگرفندگان داخلی از آنان

[جواد علاء المحدثین*]

فصلنامه امامت پژوهی
سال دوم، شماره ۵
صفحه ۲۸۷ - ۲۵۷

■ چکیده

موضوع مقاله حاضر، بررسی و تحلیل یکی از دسیسه‌های مخالفان برای تحریف پیام غدیر است. بر این اساس، نویسنده ابتدا ماجرای غدیر خم و رابطه آن با اصل امامت را از دیدگاه وهابیت سعودی بررسی می‌کند و سپس با بررسی منابعی برای این مطلب، تحریفات صورت گرفته در آن را بر می‌شمارد. وی در ادامه با بیان اظهارات حیدر علی قلمداران در کتاب شاهراه اتحاد - به عنوان نمونه‌ای از تحریف غدیر در جامعه - و تأثیرپذیری آن از شبهه یمن و نیز تحلیل تحریفات وی، مقاله خویش را به پایان می‌رساند

کلیدواژه‌ها: تحریف پیام غدیر، انکار نصب امام، غدیر خم، امامت حضرت علی علیه السلام، شبهه یمن، حیدر علی قلمداران، کتاب شاهراه اتحاد.

*. دکترای علوم قرآن و حدیث و مدیر پژوهش‌های فرهنگی دانشگاه آزاد تهران

الحمد لله الذي جعلنا من المتمسكين بولاية امير المؤمنين و الائمة المعصومين عليهم السلام حقيقت گویا و تابناک غدیر خم، در طول تاریخ چنان خودنمایی کرده که مخالفان تمام عیار امیر غدیر و پیام غدیر، هرگز قدرت پوشاندن آن را نداشته‌اند؛ هر چند در تحدید بهره‌مندی انسان‌ها از این پیام سرنوشت‌ساز تأثیرگذار بوده‌اند. درخششِ اعجاب‌آورِ غدیر، علی‌رغم مواجهه همه‌جانبه مخالفان، جلوه تاریخی ویژه‌ای دارد و بررسی مستقلی می‌طلبد. در این نوشتار، یکی از دسیسه‌های مخالفان، برای تحریف پیام غدیر را بررسی و تحلیل خواهیم کرد؛ دسیسه‌ای که شاید بتوان آن را آخرین تیر ترکش کتمان‌کنندگان دانست. البته طرح این شبهه، مسبق به سوابقی است که اشاره خواهیم کرد و رد پای غرض‌ورزی را در آنجا نیز نشان خواهیم داد.

مشاهده تلاش‌های بی‌ثمر در تحریف و انکار نافرجام یک حقیقت، لاجرم بر اطمینان قلبی ما نسبت به آن حقیقت می‌افزاید.

■ وهابیت سعودی: «ماجرای غدیر خم و رابطه آن با اصل امامت»

عنوان فوق شاید قدری عجیب باشد؛ اما عبارت میان‌گیومه، عنوان بروشوری است که چند سال قبل توسط وهابیان سعودی، میان زائران ایرانی حرمین شریفین توزیع شده است.^۱ در متن این بروشور، ماجرای سفری که امیرالمؤمنین علیه السلام قبل از حجة‌الوداع به یمن داشته‌اند، مطرح شده و در ادامه آن آمده است:

... حضرت علی (رض) از یمن خارج شد. همراهان از او خواستند تا شتران خودشان را استراحت بدهند و بر شتران به غنیمت گرفته شده [تعبیر صحیح: دریافت شده به عنوان زکات^۲] سوار

۱. متن این بروشور که نام «اسحق دبیری» به عنوان نویسنده آن قید شده، در سایت‌های وهابیان نیز با همین عنوان وجود دارد.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام چند سفر به یمن داشته‌اند که در این متن با هم خلط شده است (برای اطلاع بیشتر در این باره ر.ک: حسینی قزوینی، حدیث الغدیر و شبهه شکوی جیش الیمن). بر اساس تحقیق یادشده حضرت سه بار به یمن سفر کرده‌اند: سفر اول برای تبلیغ و دعوت، سفر دوم برای قضاوت و سفر سوم برای جمع‌آوری صدقات که سفر اخیر، اندکی قبل از حجة‌الوداع بوده است. در متن بروشور مورد اشاره، حوادث نوبت اول و آخر با هم خلط شده‌اند و از این خلط میحث سوءاستفاده‌ای شده که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهیم کرد.

شوند. علی (رض) آنان را منع کرد.

سپس علی (رض) جانشینی برای خود تعیین کرد و خودش زودتر رفت تا به مراسم حج (حجة الوداع) برسد.

جانشین علی (رض) به هریک از همراهانش لباسی از کتان داد و به آنان اجازه داد تا بر شتران به غنیمت [به زکات] گرفته شده سوار شوند. علی (رض) بعد از فارغ شدن از حج نزد آنان بازگشت و لباس و شتران را از افراد گرفت و بر نائیش خشمگین شد و او را بر کارش سرزنش کرد. گلایه و شکایت در میان سپاه ظاهر شد و با علی (رض) به مخالفت پرداختند و هنگام رسیدن به پیامبر ﷺ شکایت خود را از رفتار علی (رض) اعلام کردند؛ بدین ترتیب در میان همراهان پیامبر ﷺ بحث علی (رض) و شاکیانش منتشر شد و سخن علیه علی (رض) نزد پیامبر ﷺ افزایش یافت.

بریده می گوید: وقتی نزد پیامبر ﷺ رسیدم از کار علی (رض) انتقاد کردم و اشکالات او را گفتم تا اینکه دیدم چهره پیامبر ﷺ تغییر کرد و فرمود: آیا من از خود مؤمنین نسبت به آنان اولی نیستم؟ گفتم: بلی. سپس فرمود: من کنت مولاة فعلی مولاة.

سپس پیامبر ﷺ در میان ما بلند شد و فرمود: ای مردم! از علی شکایت نکنید. قسم به خدا او باتقواتر از آن است که از او شکایت شود.

زید بن ارقم (رض) می گوید:

روزی در جایی بین مکه و مدینه به نام «خم» پیامبر در میان ما ایستاد و حمد و سپاس خدا را به جا آورد و پس از مقداری وعظ و تذکر فرمود: «ای مردم! من بشری مانند شما هستم و ممکن است هر لحظه به دعوت ملک الموت جواب دهم؛ ولی من دو چیز گرانبار را در میان شما باقی می گذارم؛ یکی کتاب خدا که در آن هدایت و نور است؛ پس آنرا بگیرید و به آن تمسک کنید». و ما را نسبت به قرآن ترغیب و تشویق کرد و در ادامه فرمود: و دومی اهل بیت من هستند؛ به شما نسبت به آنها هشدار می دهم - به سر تکرار نمودند. نویسنده بروشور، پس از طرح مطالب دیگر، به موضوع فوق بازمی گردد و نتیجه مورد نظر خود را اینطور بیان می کند:

دلالت روایت غدیر - اگر به ابتدای قصه یا روایت توجه کنی - معلوم می شود

که بین علی(رض) و سپاهش ... اختلاف ایجاد شد و بعد از بازگشت از حج که دوباره به پیامبر خدا رسیدند شکایت و انتقاد از علی(رض) زیاد شد و در میان مردم بحث او انتشار یافت تا آنجا که پیامبر ﷺ ضروری دانست در این مکان [غدیر خم] با وجود هوای گرم پیاده شود و با بیاناتش علی(رض) را تبرئه نماید؛ پس اصلاً صحبت از بیعت با کسی از دور یا نزدیک برای خلافت مطرح نبود.

■ بررسی منابع ذکر شده برای مطلب فوق و کشف تحریفات صورت گرفته

در متن بالا، پس از ذکر مطالبی که گذشت، نام چند منبع آمده است: فتح الباری، مسند احمد، صحیح مسلم، مستدرک حاکم، مجمع الزوائد (هیثمی) و البداية و النهاية. مراجعه به منبع اخیر نشان می‌دهد که اصل ماجرا از ابن کثیر دمشقی (مؤلف البداية و النهاية) اقتباس شده است. ابن کثیر، خود نیز از سیره ابن اسحاق - (منبعی قدیمی که از مهم‌ترین منابع تاریخی اهل سنت در سیره رسول خدا ﷺ است) نقل نموده، اما در این ضمن تحریفاتی صورت داده است. از آنجا که سیره ابن اسحاق امروزه در دسترس نیست، ما ابتدا مطلب را به نقل از سیره ابن هشام - که وی نیز از ابن اسحاق نقل کرده است - ذکر می‌کنیم تا در مقایسه، تحریف ابن کثیر معلوم شود.

■ نقل سیره ابن هشام از ماجرای یمن

ابن هشام در سیره خود به نقل از سیره ابن اسحاق می‌نویسد:

لما أقبل علي - رضي الله عنه - من اليمن ليلقي رسول الله ﷺ سلم بمكة، تعجل إلي رسول الله ﷺ و استخلف علي جنده الذين معه رجلاً من أصحابه، فعمد ذلك الرجل فكسا كل رجل من القوم حلة من البز الذي كان مع علي - رضي الله عنه - فلما دنا جيشه خرج ليلقاهم؛ فإذا عليهم الحلل، قال: ويلك ما هذا؟! قال: كسوت القوم ليتجملوا به إذا قدموا في الناس. قال: ويلك انزع قبل أن تنتهي به إلى رسول الله ﷺ. قال: فانترع الحلل من الناس فردها في البز، قال وأظهر الجيش شكواه لما صنع بهم.

قال ابن إسحاق [سلسلة سند] عن أبي سعيد الخدري، قال: اشتكى الناس علياً رضوان الله عليه، فقام رسول الله ﷺ فينا خطيباً، فسمعتة يقول: أيها الناس، لا تشكّوا علياً، فوالله إنّه لأخشن في ذات الله (أو في سبيل الله) من أن يشكي.

قال ابن إسحاق: ثم مضى رسول الله ﷺ على حجّه، فأرى الناس مناسكهم وأعلمهم سنن حجهم^۱.

زمانی که حضرت علی (علیه السلام) برای دیدار رسول خدا ﷺ از یمن به سوی مکه حرکت کرد، به سوی رسول الله ﷺ شتافت و یکی از اصحاب را بر سپاهی که همراه ایشان بود جانشین قرار داد. آن شخص عجله کرد و از منسوجاتی که [به عنوان زکات یا غنیمت، همراه کاروان و] در اختیار حضرت علی (علیه السلام) بود بر سپاهیان پوشاند.

زمانی که سپاه به مکه نزدیک شد، حضرت از شهر بیرون آمد تا آنان را ملاقات نماید؛ ناگاه لباس‌ها را به تن آن‌ها دید و (به فرمانده‌ای که گمارده بود) فرمود: وای بر تو؛ این چه وضعی است؟

او گفت: افراد را پوشاندم تا وقتی در میان مردم وارد می‌شوند، برازنده باشند. حضرت فرمود: وای بر تو، پیش از آن که به رسول خدا ﷺ برسیم این لباس‌ها را درآور.

پس او لباس‌ها را در آورد و به جای خود برگرداند و سپاهیان به دلیل این کار، اظهار شکایت نمودند.

ابن اسحاق از ابوسعید خدری نقل می‌کند که گفت: مردم از علی رضوان الله علیه شکایت کردند؛ پس رسول خدا ﷺ در میان ما به خطابه برخاست، پس شنیدم که می‌فرمود: ای مردم! از علی شکایت نکنید که او در امور الهی جدی‌تر از آن است که مورد شکایت قرار گیرد.

ابن اسحاق می‌گوید:

سپس رسول خدا ﷺ از این موضوع درگذشت و به حج خویش مشغول شد؛ پس مناسک را به مردم آموخت و سنتهای حج را به آنان تعلیم داد.

چنانچه ملاحظه می‌شود، ابن هشام تصریح کرده که افراد اعزامی به یمن، از حضرت علی علیه السلام به رسول خدا صلی الله علیه و آله شکایت کردند و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در واکنش به شکایات، سخنرانی فرموده، از امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع نمودند. پس از آن نیز حضرت به مناسک حج مشغول شدند و اعمال حج را به مسلمانان آموختند.

بر اساس این نقل، شکایت از امیرالمؤمنین علیه السلام و عکس‌العمل رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن و ایراد خطابه در دفاع از امام علیه السلام، قبل از اعمال حج - یعنی لا اقل ده روز قبل از غدیر خم - انجام شده است.

■ نقل ابن کثیر از ماجرای یمن و تحریفات او

ابن کثیر دمشقی - کسی که متن مورد بحث ما مبتنی بر نقل اوست - عنوان گزارش از غدیر را چنین انتخاب کرده است:

فصل في إيراد الحديث الدالّ على أنه صلی الله علیه و آله خطب بمكان بين مكة والمدينة مرجعة من حجة الوداع قريب من الجحفة - يقال له غدیر خم - فبين فيها فضل علي بن أبي طالب وبراءة عرضه مما كان تكلم فيه بعض من كان معه بأرض اليمن، بسبب ما كان صدر منه إليهم من المعدلة التي ظنّها بعضهم جوراً و تضييقاً و بخلاً و الصواب كان معه في ذلك، و لهذا لما تفرغ صلی الله علیه و آله من بيان المناسك و رجع إلى المدينة بين ذلك في أثناء الطريق، فخطب خطبة عظيمة في اليوم الثامن عشر من ذي الحجة عامئذ و كان يوم الأحد بغدير خم تحت شجرة هناك، فبين فيها أشياء و ذكر من فضل علي و أمانته و عدله و قربه إليه ما أراح به ما كان في نفوس كثير من الناس منه؛^۱

فصلی در بیان حدیثی که نشان می‌دهد رسول خدا صلی الله علیه و آله در بازگشت از

حجة الوداع، در مکانی بین مکه و مدینه، در نزدیکی جحفه - که به آن غدیر خم گفته می‌شود - سخنرانی فرمود و در آن، برتری علی بن ابی طالب (علیه السلام) و میرا بودن ساحت آن جناب را از سخنانی که بعضی همراهان یمن، راجع به ایشان گفته بودند، بیان فرمود و سبب این سخنان، عدالتی بود که [آن حضرت به کار بست، ولی] برخی از ایشان، آن را ستم و سخت‌گیری نابه‌جا و بخل پنداشتند و نظر صحیح، همان رأی وی [حضرت علی (علیه السلام)] بود؛ به همین دلیل زمانی که رسول خدا (ص) از بیان مناسک فراغت یافت و به سوی مدینه بازمی‌گشت، در بین راه، در روز هجدهم ذی حجه، خطبه عظیمی ایراد فرمود و آن در روز یکشنبه در زیر درختی در غدیر خم بود. رسول خدا (ص) در آن خطابه مطالبی بیان داشت و فضل علی بن ابی طالب (علیه السلام) و امانت و عدالت و جایگاه ایشان در نزد خود را ذکر فرمود؛ به گونه‌ای که آنچه در دل‌های بسیاری [!] از مردم نسبت به وی به وجود آمده بود، برطرف شد.

چنان‌چه ملاحظه می‌شود، این کثیر از ابتدا خطابه غدیر را - که از آن به خطبه عظیمه یاد کرده - مربوط به شکایات ناوارد برخی اعزام‌شدگان یمن دانسته و البته طی چند سطر آینده ملاحظه خواهید فرمود که این کار را به قیمت چه تحریفاتی انجام داده است.

وی نیز مانند ابن‌هشام، ماجرای شکایت همراهان یمن از امیرالمؤمنین (علیه السلام) را از سیره ابن‌اسحاق نقل کرده است؛ اما با حذف یک جمله از آخر (!) و ابتکارات دیگری که به تفصیل شرح خواهیم داد. از آن‌جا که نقل این کثیر - به جز جملات آخر که سانسور شده‌اند - کاملاً مشابه نقلی است که از قول ابن‌هشام آوردیم، فقط خلاصه آن را تکرار و سپس جملات حذف‌شده را یادآوری می‌کنیم:

لما أقبل علی رضي الله عنه من اليمن ليلقي رسول الله (ص) سلم بمكة، تعجل إلى رسول الله (ص) و استخلف علي بن ابي طالب... فلما دنا جيشه خرج ليلقاهم؛ فإذا عليهم الحلل، قال: ويلك ما هذا؟... قال ابن إسحاق [سلسلة سند] عن أبي سعيد الخدري، قال: اشتكى الناس علياً رضوان الله عليه، فقام رسول الله (ص) فينا خطيباً، فسمعته يقول: أيها الناس! لا تشكوا علياً،

فوالله إنّه لأخشن في ذات الله (أو في سبيل الله) من أن يشكي.
ابن کثیر در این قسمت نقل از سیره ابن اسحاق، این جملات را حذف کرده است: «قال ابن إسحاق: ثم مضى رسول الله ﷺ على حجه، فأرى الناس مناسكهم وأعلمهم سنن حجهم». عبارات فوق، در نقل سیره ابن هشام از سیره ابن اسحاق - که پیشتر بازگو شد - وجود داشتند؛ اما در نقل ابن کثیر سانسور شدند. این، آغاز تحریفی است که توسط او رخ داده است.

■ تحریفات ابن کثیر

همانطور که دیدیم، جمله حذف شده توسط ابن کثیر، نشان گر این واقعیت است که رسول خدا ﷺ پس از سخنرانی در دفاع از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، این موضوع را رها نموده، به مناسک حج و تعلیم آن به مردم مشغول شده‌اند. این تحریف برای آن است که فاصله زمانی میان خطابه غدیر و ماجرای شکایت، کم جلوه داده شود تا ارتباط ادعایی این دو موضوع، طبیعی تر به نظر بیاید راجع به این تحریف، بیشتر سخن خواهیم گفت.

ابن کثیر، بلافاصله پس از بیان این که پیامبر اکرم ﷺ خطابه‌ای ایراد کردند و در ضمن آن فرمودند: «از علی شکایت نکنید؛ زیرا او در امر الهی بسیار جدی است»، روایتی را با تأکید بر اعتبار آن نقل می کند که بُریده اسلمی گفت:

غزوت مع علي اليمن فرأيت منه جفوة؛ فلما قدمت علي رسول الله ﷺ ذكرت علياً فتنقصته فرأيت وجه رسول الله يتغير. فقال: يا بریده! ألسنت أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قلت: بلى يا رسول الله. قال: من كنت مولاه فعلي مولاه؛^۱

همراه علی بن ابی طالب (علیه السلام) در جنگی در یمن بودم که از وی برخورد تندی دیدم. پس زمانی که بر رسول خدا ﷺ وارد شدم از علی (علیه السلام) عیب جویی نمودم؛ اما مشاهده کردم که چهره حضرت [از عصبانیت] دگرگون شد و فرمود: ای بریده! آیا من بر مؤمنان از خودشان صاحب اختیارتر نیستم؟ عرض کردم: بله یا رسول الله. پس فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست.

این در حالی است که شکایت بریده اسلمی از امیرالمؤمنین علیه السلام، اساساً مربوط به سفر قبل از حجة الوداع نیست؛ بلکه قبل از آن، در حاشیه نخستین سفر حضرت به یمن رخ داده است.^۱ ملاحظه می‌شود که در عبارت ابن کثیر نیز از قول بریده اینگونه نقل شده است: «غزوت مع علي اليمن ...»؛ این عبارت نشان می‌دهد که این سفر، اولین اعزام امیرالمؤمنین علیه السلام به یمن بوده است؛ زیرا سفر پیش از حجة الوداع برای جمع‌آوری زکات بوده است؛ نه جنگ.^۲ در سفر اول خالد بن ولید و جماعت دیگری از جمله بریده اسلمی علیه امیرالمؤمنین علیه السلام همدست شدند و به دنبال آن، بریده شکایتی را علیه حضرت، در مدینه بر رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه کرده است؛ لذا این موضوع هیچ ارتباطی با برپایی مراسم غدیر خم ندارد.

پاسخ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، طبعاً تند و شدید بود و طبق نقلهای متعدد منابع اهل تسنن، عباراتی از این قبیل، خطاب به بریده و دیگران بیان فرمودند: «لا تقع في علي فإنه مني و أنا منه و هو وليكم بعدي»^۳ «من كنت وليه فعلي وليه»^۴ «ما تريدون من علي؟ علي مني وأنا من علي و علي ولي كل مؤمن بعدي»^۵ یا چنانکه در نقل ابن کثیر گذشت و حاکم نیز نقل کرده و آن را بر شرط شخبین صحیح شمرده است: «ألست أولى بالمؤمنين من أنفسهم؟ قلت: بلى يا رسول الله قال: من كنت مولاة فعلي مولاة»^۶.

ابن کثیر، این ماجرا را با ماجرای مربوط به حجة الوداع درآمیخته تا تعابیر یادشده فوق - که در ضمن آن آمده - زمینه گره زدن شکایات یمن به خطابه غدیر را فراهم کند. او در تکمیل تحریفی که ذکر شد، بلافاصله نقل دیگری را - که تأیید استادش ذهبی بر صحت آن را نیز ذکر کرده - از قول زید بن ارقم می‌آورد:

لما رجع رسول الله من حجة الوداع و نزل غدیر خم أمر بدوحات فقممن.

۱. در همین نوشتار اشاره شد که این سفر برای دعوت به اسلام بوده و به درگیری‌هایی نیز منجر شده است. در همین مأموریت، قبیله همدان اسلام آوردند. برای مطالعه بیشتر رک: حسینی قزوینی، حدیث الغدیر و شبهه شکوی جیش الیمن.

۲. رک: حسینی قزوینی، همان.

۳. احمد بن حنبل، مسند، ۳۵۶/۵.

۴. نسائی، سنن، ۱۳۰/۵؛ همو، خصائص، ۹۴.

۵. ابن ابی شیبیه، مصنف، ۵۰۴/۷.

۶. حاکم نیشابوری، المستدرک، ۱۱۰/۳.

قال: كَأَنِّي قَدْ دَعَيْتُ فَأَجَبْتُ، إِنِّي قَدْ تَرَكْتُ فِيكُمْ التَّقْلِينَ كِتَابَ اللَّهِ وَعَتْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي، فَانظُرُوا كَيْفَ تَخْلَفُونِي فِيهِمَا؛ فَإِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ. ثُمَّ قَالَ: اللَّهُ مَوْلَايَ وَأَنَا وَلِي كُلِّ مُؤْمِنٍ؛ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيهِ؛ اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ؛^۱

زمانی که رسول خدا ﷺ از حجة الوداع بازمی گشت، در غدیر خم فرود آمد و امر فرمود تا سایه بان هایی برپا شد. سپس فرمود: گویا [به سرای باقی] خوانده شده ام و اجابت نموده ام. همانا در میان شما دو چیز گران بها را باقی گذاشته ام؛ کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم؛ پس بنگرید که بعد از من چگونه با آن دو رفتار می کنید که آن ها از یکدیگر جدا نمی شوند تا در کنار کوثر بر من وارد شوند. سپس دست علی (علیه السلام) را گرفت و فرمود: هر که من مولای اویم، علی ولی اوست. خدایا هر کس او را دوست می دارد، دوست بدار و هر کس او را دشمن می دارد، دشمن بدار.

ابن کثیر سپس به نقل طرق متعددی برای حدیث غدیر می پردازد؛ از جمله اینکه بلافاصله به نقل از سنن ابن ماجه - از صحاح سته اهل تسنن - با ذکر سند از براء بن عازب صحابی رسول خدا ﷺ چنین نقل می کند:

أَقْبَلْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي حَجَّةِ الْوَدَاعِ الَّتِي حَجَّ فَنَزَلَ فِي الطَّرِيقِ، فَأَمَرَ: الصَّلَاةَ جَامِعَةً فَأَخَذَ بِيَدِ عَلِيٍّ فَقَالَ: أَلَسْتُ بِأَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ؟ قَالُوا: بَلَىٰ. قَالَ: أَلَسْتُ بِأَوْلَىٰ بِكُلِّ مُؤْمِنٍ مِنْ نَفْسِهِ؟ قَالُوا: بَلَىٰ. قَالَ: فَهَذَا وَلِيُّيَ مِنْ أَنَا مَوْلَاهُ؛ اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهِ وَعَادَ مِنْ عَادَاهُ؛^۲

در حجة الوداع همراه رسول خدا ﷺ بودیم. حضرت در مسیر فرود آمد و نماز جماعت عمومی اعلام داشت. سپس دست علی (علیه السلام) را گرفته فرمود: آیا من بر مؤمنان از خودشان صاحب اختیارتر نیستم؟ همه گفتند: بله. [دوباره] فرمود: آیا من بر هر مؤمنی از خود او صاحب اختیارتر نیستم؟ گفتند: بله.

۱. ابن کثیر، البداية و النهاية، ۲۲۸/۵.

۲. همان، ۲۲۹/۵.

آن‌گاه فرمود: پس این شخص ولیّ هر کسی است که من مولای اویم؛
خدایا هر کس او را دوست می‌دارد، دوست بدار و هر کس او را دشمن
می‌دارد، دشمن بدار.

همانطور که ملاحظه می‌کنید، ابن‌کثیر بلافاصله پس از نقل سخن بُریده اسلمی، مبنی بر
عصبانیت و واکنش رسول خدا ﷺ در مقابل شکایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، حدیث غدیر را از
طرق متعدد نقل می‌کند تا به طور طبیعی، مخاطب گمان کند که این دو مطلب یکی است
و یکی واکنش‌های پیامبر اکرم ﷺ به شکایات، همان خطابه غدیر خم است.

بنابراین، آنچه ابن‌کثیر از ابن‌اسحاق نقل کرده، شامل بازخواست امیرالمؤمنین (علیه السلام) از افراد
اعزامی به یمن، شکایات آنان به رسول خدا ﷺ و خطابه خواندن پیامبر اکرم ﷺ در دفاع از
امیرالمؤمنین (علیه السلام) است و آنچه حذف کرده، این سخن ابن‌اسحاق که گفت: «پس از این
قضایا پیامبر اکرم ﷺ به مناسک حج مشغول شدند و اعمال حج را به مسلمانان آموزش
دادند». وی سپس بلافاصله، به بازگویی حدیث غدیر پرداخته است.

مشخص شد که حذف چند عبارت اشاره شده، تا چه حد برای رسیدن ابن‌کثیر به هدفش
ضرورت داشته است. اگر وی عبارات سانسور شده را نقل می‌کرد و معلوم می‌شد که خطابه
رسول خدا ﷺ در پاسخ به شاکیان، در مکه و قبل از مناسک حج ایراد شده - در حالی که
واقعه غدیر و بیان حدیث مشهور آن، چند روز بعد از انجام مناسک حج اتفاق افتاده است
- جای توجیهی برای این ادعا که خطابه غدیر برای همین موضوع بوده است، نمی‌ماند.

■ دیگر اشکالات وارد بر ابن‌کثیر

در عبارات نقل‌شده از پیامبر اکرم ﷺ - که در واکنش به شکایات از حضرت علی (علیه السلام)
فرموده‌اند - در منابع فریقین، عباراتی مانند: «از علی (علیه السلام) شکایت نکنید»، «زبان از ملامت
علی (علیه السلام) کوتاه کنید» و ... آمده است؛ اما ابن‌کثیر، یا هر کس دیگری که بخواهد خطابه
غدیر را به شکایات مراجعان یمن گره بزند، باید توضیح دهد که در آنچه از خطبه غدیر نقل
شده، کدام قرینه بر ارتباط سخن با شکایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود دارد؟! در هیچ نقلی
از خطابه غدیر، جمله‌ای که موضوع را به شکایت کسانی از حضرت علی (علیه السلام) مربوط سازد،
دیده نمی‌شود.

ابن کثیر می‌گوید که رسول خدا ﷺ در غدیر خم خطابه‌ای عظیم ایراد فرموده‌اند. منابع اهل سنت و شخص‌وی، از این خطابه عظیم - که تفصیلش در منابع شیعی آمده - تنها اندکی را نقل کرده‌اند؛ اما در همین مختصر که از قول خود او آوردیم، نشانه‌هایی برای دریافتن حقیقت وجود دارد؛ این که پیامبر اکرم ﷺ قبل از عبارت «من كنت مولاه فهذا وليه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه»، خبر از نزدیک شدن مرگ خویش می‌دهند. آیا بدین معنا نیست که حضرت در صدد بیان وصیتی مهم برای جمعیت چند ده هزار نفری مسلمانان در غدیر خم بوده‌اند؟ آیا بیان حدیث ثقلین و تأکید بر همراهی جدایی‌ناپذیر اهل بیت ﷺ با کتاب خدا تا قیامت، صرفاً متناسب با واکنش به عمل افرادی است که از امیرالمؤمنین ﷺ شکایت کرده‌اند؟

طبق نقل مختصر آقایان، پیامبر اکرم ﷺ پیش از بیان عبارت «من كنت مولاه فهذا وليه، اللهم وال من والاه وعاد من عاداه» بالاترین منصب الهی خود، یعنی «صاحب اختیار بودن بر مؤمنان بیش از خود آنان» (مضمون آیه ششم سوره احزاب) را گوشزد فرمود و از حاضران بر این منصب خود اقرار گرفت. آیا یادآوری چنین منصبی، با تذکر به اینکه صرفاً از علی ﷺ شکایت نکنید و او را دوست بدارید، تناسب دارد؟

در این بحث، نکته جالب دیگری وجود دارد که آن را در قالب اشکال دیگری به ابن کثیر - در بحث غدیر - مطرح می‌کنیم؛ وی در ادامه آنچه نقل شد، در جلد پنجم البدایه و النهایه آورده است:

... دعا رسول الله ﷺ علياً وأخذ بيده فأقامه عن يمينه فقال: أأنت أولى بكل امرئ من نفسه؟ قالوا: بلى. قال: فإن هذا مولى من أنا مولاه؛ اللهم وال من والاه وعاد من عاداه. فلقبه عمر بن الخطاب فقال: هنيئاً لك، أصبحت وأمسيت مولى كل مؤمن ومؤمنة؛^۱

... رسول خدا ﷺ علی را فراخواند و دست او را گرفت و در سمت راست خود ایستادند و فرمود: آیا من بر هر کس، از خودش صاحب اختیارتر نیستم؟ گفتند: بله. فرمود: این علی مولای هر کسی است که من مولای

اویم؛ خدایا هر کس او را دوست می‌دارد، دوست بدار و هر کس او را دشمن می‌دارد، دشمن بدار. پس عمر بن خطاب آن جناب را ملاقات کرد و گفت: گوارا باد بر تو. مولای من و هر زن و مرد مسلمانی شدی. وی در جلد هفتم نیز مفصلاً به نقل احادیث گزارشگر از غدیر می‌پردازد و در این میان، حدیثی است که با ذکر سند، از ابوهیره نقل شده است:

... یوم غدیر خم لما أخذ النبي ﷺ بيد علي بن أبي طالب فقال: ألسنت ولي المؤمنين؟ قالوا: بلى يا رسول الله! قال: من كنت مولاه فعلي مولاه. فقال عمر بن الخطاب: يخ بخ لك يا ابن أبي طالب؛ أصبحت مولاي و مولی كل مسلم. فأنزل الله عز و جل: ﴿اليوم أكملت لكم دينكم﴾^۱

... روز غدیر خم، زمانی که پیامبر ﷺ دست علی بن ابی‌طالب را گرفت، فرمود: آیا من ولی مؤمنان نیستم؟ گفتند: بله یا رسول الله. فرمود: هر که من مولای اویم، علی مولای اوست. پس عمر بن خطاب گفت: خجسته باد بر تو ای پسر ابی‌طالب! مولای من و هر مسلمانی شدی. آن‌گاه خداوند عز و جل این آیه را فرو فرستاد: ﴿اليوم أكملت لكم دينكم﴾؛

طبعاً عبارت «مولای من شدی» با معنای «دوست و یاور» برای کلمه مولا سازگار نیست؛ زیرا دلالت بر تحقق امری جدید دارد و قطعاً عمر نمی‌خواهد بگوید که امیرالمؤمنین (علیه السلام) دوست و یاور او نبوده و پس از خطابه پیامبر اکرم ﷺ دوست و یاور او شده‌اند.

آن‌چه در غدیر خم اتفاق افتاده و بیان شده است، مقدمات و قرائین و شواهد بسیاری دارد که مانع تفسیر ساختگی و تحریف حقیقت آن می‌شود. این موارد، در جای خود، در کتب و مقالات فراوانی، به تفصیل بیان شده‌اند و بازگویی مشروح آنها در نوشتار حاضر نمی‌گنجد؛ اما جا دارد یادآوری کنیم که اگر ادعا شود خطابه رسول خدا ﷺ در غدیر، صرفاً به دلیل شکایت چند نفر بوده است، مدعی باید به سؤالاتی بسیار فراتر از آنچه گذشت پاسخ دهد.

■ تحریف عجیب در بروشور سعودی

تمام نقدهایی که نسبت به ابن کثیر مطرح کردیم، بر نویسنده بروشور سعودی نیز وارد است؛ زیرا او نیز مطلب ابن کثیر را بازگو کرده است؛ اما موضوع عجیبی در این بروشور - فراتر از سخن ابن کثیر - مطرح شده است:

علی(رض) جانشینی برای خود تعیین کرد و خودش زودتر رفت تا به مراسم حج (حجة الوداع) برسد. جانشین علی(رض) به هریک از همراهانش لباسی از کتان داد و به آنان اجازه داد تا بر شتران به غنیمت گرفته شده سوار شوند. علی(رض) بعد از فارغ شدن از حج نزد آنان بازگشت و لباس و شتران را از افراد گرفت ...

ملاحظه می شود که وی بازگشت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به سوی همراهان یمن را پس از پایان مناسک حج دانسته است؛ حال آنکه ابن کثیر در این باره سکوت کرده و با حذف عباراتی در نقل از ابن اسحاق، زمان را مبهم گذاشته تا تصور شود زمان شکایتها بعد از مناسک حج بوده است. اما مطلبی عجیبتر که در هیچ مدرکی وجود ندارد و ابداع نویسنده است: «غدیر خم که ۱۶۰ کیلومتر از مکه فاصله داشت، محل التقای سپاه برگشته از یمن - که نسبت به علی(رض) شاکی و معترض بودند - و حاجیان برگشته از مکه بود».

این ابداع، البته برای آن است که شکایات همراهان یمن، بهتر به خطابه غدیر گره بخورد و کتمان حقیقت پیام غدیر راحت تر محقق شود؛ اما راه انتخاب شده، بسیار ناشیانه و غیر علمی بودنش فراتر از تصور است.

■ نمونه تحریف غدیر در جامعه ما و تأثیر پذیری آن از شبهه یمن

دسیسه‌ای که برای پوشاندن حقیقت پیام غدیر، توسط امثال ابن کثیر دمشق چیده شده و امروزه از سوی اخلاف آنان تعقیب می شود، گاه درون کشورمان نیز ردپاهایی را به جا گذارده است. حیدرعلی قلمداران، یکی از افرادی است که در کتمان پیام حقیقی غدیر خم از همان طریق یادشده کمک گرفته و البته بدان اکتفا ننموده است. تا پایان این نوشتار، درباره میزان انصاف‌ورزی شخص یادشده در موضوع غدیر، نتیجه‌ای روشن به دست خواهیم داد.

■ بیان حقیقت ماجرای غدیر یا تحریف آن؟

قلمداران در کتاب *شاهراه/اتحاد* بخشی را با عنوان «حقیقت ماجرای غدیر چیست؟»^۱ گشوده و در ابتدای آن، از «حوادثی که در سال دهم هجری رخ داده و زمینه‌ساز اصلی واقعه غدیر است» و «اطلاع از آن، در فهم درست خطبه غدیر خم، کمال ضرورت را دارد» سخن به میان آورده است. وی همچنین اظهار داشته که «غالباً از توجه لازم به آن [حوادث] غفلت می‌شود و چندان مورد علاقه مدعیان حب آل رسول ﷺ نیست». به این ترتیب وی تلویحاً شیعیان را به کتمان این حوادث تأثیرگذار در فهم درست خطبه غدیر خم «متهم ساخته است. اکنون باید دید این حوادث مهم چیست و گزارش و تحلیل ارائه شده از آن چگونه است.

■ تحلیل ارائه شده از ماجرای غدیر در کتاب *شاهراه اتحاد*

مؤلف کتاب *شاهراه اتحاد* می‌نویسد:

خلاصه واقعه چنان که در تواریخ اسلامی چون سیره ابن هشام (ج ۴، ص ۲۷۴) که قدیمی‌ترین تاریخ در سیره رسول خدا ﷺ است و در سایر کتب تواریخ و تفسیر فریقین از شیعه و سنی از قبیل تفسیر جمال‌الدین ابوالفتح رازی که به فارسی تألیف شده و تفسیر ابن کثیر و *تاریخ البدایه و النهایه* و کتاب *مجالس المؤمنین* قاضی نورالله شوشتری (ج ۱، ص ۴۳) آمده چنین است: سال دهم هجری که رسول خدا ﷺ برای انجام و تعلیم حج اسلامی عازم بیت‌الله الحرام بود، نامه‌هایی به رؤسای قبایل عرب و بلاد مسلمین فرستاد و از آنان دعوت کرد که برای انجام حج در مکه حاضر شوند...^۲

وی در ادامه شرح می‌دهد که پیامبر اکرم ﷺ نامه‌ای هم برای امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) - که در یمن مشغول جمع زکات بود - ارسال فرمودند. حضرت امیر (علیه السلام) اموال دریافت‌شده را به همراهانی از قبیل بریده اسلمی و خالد بن ولید سپرد، بی‌درنگ روانه مکه شد و در روز هفتم یا هشتم ذی‌حجه خود را به رسول خدا ﷺ رسانید و پس از انجام حج و مناسک آن، به صوب

۱. قلمداران، *شاهراه اتحاد*، ۱۱۱.

۲. همان، ۱۵۴.

مأموریت خود - که حمل اموال بیت‌المال بود - بازگشت.

در دنباله گزارش آمده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بازگشت، متوجه می‌شوند کسانی در برخی از آن اموال - که جزو بیت‌المال بود - تصرف کرده‌اند؛ لذا «چنان که عادت و رویه آن جناب در اجتناب از تصرف در اموال بیت‌المال بود»؛ با آنها تندی و عتاب فرمودند و «این رفتار آن جناب که عین صواب بود بر آنان... سخت گران آمد و از آن حضرت دل‌گیر و ناراحت شدند» و پس از ملحق شدن به پیامبر و سایر مسلمین، شروع به بدگویی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) کردند. قلمداران در ادامه می‌نویسد:

رسول خدا (ص) پس از استماع شکایت آنان، ایشان را از ناراحتی و نارضایتی از علی (علیه السلام) منع فرمود و پاره‌ای از فضایل آن حضرت را بیان کرد و فرمود: «إرفعوا ألسنتکم عن علی فإنه خشن فی ذات الله غیر مداهن فی دینه»؛ «زبان خویش را از علی باز دارید؛ زیرا او درباره دین خدا خشن است و در امر دین سهل‌انگار نیست».

قلمداران در ترجمه صفت «خشن»، همین کلمه را تکرار کرده که صحیح نیست. در مجمع‌البحرین آمده: «رجل خشن: قوی شدید».^۱ این معنا، مغایر معنای منفی کلمه «خشن» در زبان فارسی است. در نتیجه، رسول خدا (ص) با این تعبیر، حضرت امیر (علیه السلام) را در اجرای اوامر الهی و دینی، قوی و بدون مسامحه معرفی کرده‌اند. وی در ادامه نوشته است:

اما خالد و بریده و دیگران، قبل از ملاقات رسول خدا (ص) از گله‌مندی از علی (علیه السلام) نزد دیگران مضایقه نکرده بودند. طبعاً بسیاری از مردم هنوز علی (علیه السلام) را ندیده بودند و به‌درستی نمی‌شناختند. ممکن بود بر اثر شکایت و گله‌مندی اینان، علی به بدی معرفی می‌شد و رسول خدا (ص) که این کیفیت را مشاهده فرمود، بر خود لازم دید قبل از آن که آن‌همه مسلمان - که از گوشه و کنار جهان برای ادای فریضه حج اجتماع کرده و اکنون در مسیر بازگشت بودند - متفرق گردند و پیش از آن که امواج این واقعه به مکه برسد و یا این ماجرا در مدینه شایع شود و مردم مدینه تحت تأثیر آن قرار گیرند، از شخصیت بارز و

۱. طریحی، مجمع‌البحرین، ۶۵۱/۱.

ممتاز علی علیه السلام دفاع کرده، حضرتش را با فضایل عالی‌ای که دارد به مسلمانان معرفی و قضیه را در همان جا حل و فصل نماید. علاوه بر آن، دفاع از حیثیت یک شخص ممتاز مسلمان بر حضرتش واجب بود؛ لذا در اجتماع غدیر خم به معرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع مسلمانان پرداخت.^۱

■ راستی آزمایی ادعای صورت گرفته در باره غدیر: منابع شیعی

قلمداران مدعی است که تحلیلش از واقعیت غدیر خم، مستند به منابع نام برده است. در میان منابع یادشده، دو کتاب از آثار شیعی است: *مجالس المؤمنین* اثر قاضی نورالله شوشتری و تفسیر ابوالفتوح رازی. در *مجالس المؤمنین* ماجرای مورد بحث از تفسیر ابوالفتوح نقل شده است؛ به این شرح (که قاضی نورالله شوشتری ابتدا تحت عنوان «تفصیل قصه غدیر» می‌نویسد):

غدیر خم ... که حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله خطبه مشهور را در آن خوانده و آن خطبه بر وجهی که مشهور و در السنه مذکور است در حجة الوداع در تعیین خلافت و امامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام واقع شده ... تقریر آن بر وجهی که در طریق مخالفان و بعضی از روایات ما آمده، آن است که چون حضرت رسول از حجة الوداع رجوع فرمود، در وقت پیشینی که هوا در نهایت حرارت بود، جبرئیل بیامد و راه او را بگرفت و این آیه وافی هدایه آورد که ﴿يَأَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ﴾ [ادامه آیه: وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ؛ ای پیامبر! آن چه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده است برسان که اگر این کار را نکنی، رسالت الهی را انجام نداده‌ای و خداوند تو را از مردم حفظ خواهد نمود].

مرحوم شوشتری سپس ادامه می‌دهد که طبق دستور رسول خدا صلی الله علیه و آله، از پالان شتران منبری ساختند و پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی منبر، دست حضرت علی علیه السلام را بالا گرفت و مطالب خود را بیان کرد؛ سپس آیه اکمال نازل شد و بعد رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «الحمد لله على اكمال الدين و إتمام النعمة و

رضا الله تعالی برسالتی و بولایة علی بعدی»؛ «سپاس خدا را به واسطهٔ کامل شدن دین و تمام شدن نعمت و خشنودی خداوند به رسالت من و ولایت علی پس از من»^۱.

عبارت «ولایة علی من بعدی» نشان می‌دهد که منظور از ولایت، سرپرستی مسلمانان و جانشینی رسول خدا ﷺ است؛ در غیر این صورت، تعبیر «پس از من» دربارهٔ «دوستی» معنا ندارد.

مؤلف سپس با یادآوری این که علمای عامه بر تواتر حدیث غدیر تصریح دارند، در تأکید بر این که معنی کلمه «مولی» در فرمایش رسول خدا ﷺ «متولی و متصرف در امور» است، مطالبی آورده و در ادامه می‌نویسد: «در تفسیر شیخ ابوالفتوح رحمته قصه غدیر بر وجهی دلپذیر مسطور گشته که... مشتمل بر فواید و اشارات بسیار است... و تقریر او این است که...»^۲.
ما در ادامه، با تلخیص، شرح ماجرای غدیر را که صاحب *مجالس المؤمنین* به نقل از تفسیر ابوالفتوح آورده ذکر می‌کنیم تا روشن شود آقای قلمداران در انتساب موضوع به این دو کتاب و دو عالم بزرگ شیعی مرتکب چه تحریف آشکاری شده است.
ابوالفتوح رازی (و مرحوم قاضی نورالله شوشتری، به نقل از او) می‌نویسد:

حضرت رسول ﷺ پیش از توجه به حجة‌الوداع، بر ترسایان نجران به دو هزار حلهٔ مصالحه نموده و حضرت رسول ﷺ امیرالمؤمنین علی علیه السلام را جهت تحصیل آن حله‌ها به یمن فرستاده بود و چون به موجب امر الهی متوجه حج شد، نامه به حضرت امیر نوشت که من به جانب مکه به حج رفتم. چون کار خود تمام کرده باشی از راه یمن عزیمت حج به مکه نمای که آن‌جا ملاقات واقع خواهد شد.

چون نامهٔ نامی به حضرت امیر رسید، آن‌چه از حله‌ها حاصل شده بود برداشت و با قوم خود متوجه مکه شد. چون نزدیک مکه رسید، خلیفه بر قوم مقرر ساخت و به تعجیل به خدمت حضرت شتافت و چون بیامد و در

۱. شوشتری، *مجالس المؤمنین*، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی، ۲۲.

۲. همان، ۲۴.

مکه به خدمت حضرت رسول رسید و آن حضرت کیفیت احوال از او پرسید، گفت: یا رسول الله! آن چه فرموده بودی تمام کردم و حله‌ها بستدم و بسپر دم و چون نزدیک رسیدم، آرزوی دیدار تو بر من غالب شد؛ بنابراین پیش‌تر از رفیقان خود آمدم ... رسول خدا ﷺ فرمود: بر احرام باش و بازگرد و قوم خود را برگیر و نزد من آی.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) چون به نزدیک قوم آمد، دید که تنگ‌های حله را گشاده و حله‌ها را در بر کرده‌اند. بر نایب خود خشم گرفت و او را ملامت نموده، گفت: چرا حله‌ها را به ایشان دادی؟...

چون آن حضرت بیامد و حله‌ها را به خدمت حضرت رسول ﷺ تسلیم نمود، آن جماعت شکایت حضرت امیر (علیه السلام) را به خدمت آن حضرت نمودند. رسول خدا ﷺ فرمود: علی صواب کرد. و چون ایشان هم‌چنان اظهار آزار از حضرت امیر (علیه السلام) می‌نمودند و سخنان نامالایم می‌گفتند، رسول خدا ﷺ خشمناک شد و بر سر منبر آمد و خطبه آغاز نمود و گفت: اِرْفَعُوا أَلْسِنَتَكُمْ مِنْ عَلِيٍّ فَإِنَّهُ خَشِنَ فِي ذَاتِ اللَّهِ غَيْرَ مِدَاهِنَ فِي دِينِهِ؛ زبان از علی بردارید که او مردی درشتست در ذات خدا، مدهانت نمی‌کند در دین خدای.

مردم چون خشم رسول و مبالغه او در آن باب بدیدند، زبان کوتاه کردند. چون رسول خدا ﷺ حج بگزارند و در وقت مراجعت، به غدیر خم رسیدند - و آن نه منزل بود و نه صلاحیت نزول داشت و آن مفترق طرق بود که مردم پراکنده شدند - جبرئیل آمد و زمام ناقه رسول بگرفت و گفت: خدای متعال می‌گوید که این‌جا فرود آی تا پیغام مهمم به این قوم بگذاری، پیش از آن که متفرق شوند و هر گروهی به راهی روند و این آیه [يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ] آورد و بر رسول خواند و منادی در قوم آواز داد که فرود آید و کس فرستاد تا آن‌ها که به جاها رفته بودند باز آمدند و آنان که نرسیده بودند، رسیدند.^۱

۱. همان، ۲۴ و ۲۵؛ رازی، روض الجنان و روح الجنان، ۶۲/۷.

تا این‌جا ملاحظه می‌شود که ابوالفتح رازی و هم‌چنین قاضی نورالله شوشتری - که آقای قلمداران ماجرا را از قول آنان نقل کرده - سرانجام اختلاف مراجعین یمن، با حضرت علی (علیه السلام) و شکایت آن‌ها به پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و خطبه حضرت در دفاع از امیرالمؤمنین (علیه السلام) را مجموعاً مربوط به پیش از انجام مناسک حج دانسته‌اند؛ در حالی که ماجرای غدیر خم اساساً مربوط به پس از حج است و این نسبت دروغی است که به این دو عالم بزرگوار شیعه داده شده است.

مرحوم قاضی نورالله شوشتری در ادامه به نقل از تفسیر ابوالفتح می‌گوید:

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) بر منبرِ فراز شده از پالان شتران رفته و خطبه‌ای بلیغ ادا فرمودند. ابوالفتح در توصیف این خطبه می‌گوید: «مشهور است و برای جلوگیری از اطاله از ذکرش خودداری نمودم». سپس نزدیک بودن زمان مرگ خود را یادآوری فرمودند. در ادامه، حدیث ثقلین را بیان داشتند: «إِنِّي مَخْلَفٌ فِيكُمْ مَا إِنْ تَمَسَّكُمْ بِهِمَا لَنْ تَضَلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عِزَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّ اللَّطِيفَ الْخَبِيرَ أَخْبَرَنِي أَنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ»؛ «و من در میان شما دو چیز رها می‌کنم که اگر شما بدان تمسک کنید گمراه نشوید: کتاب خدا و عترت من اهل بیت من؛ و خدای لطیف خبیر مرا خبر داد که اینان از یکدیگر جدا نشوند تا برکنار حوض پیش من آیند».

سپس می‌نویسد:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ادامه فصلی دیگر گفت: «عَلَيَّْ مِنْ مَنَزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي»؛ «علی از من آن منزلت دارد که هارون از موسی؛ جز آن که بعد از من پیغمبری نیست».

آن‌گاه گفت: «اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغَتْ؟»؛ «بارخدا یا رساندم من؟». و فصل‌هایی دیگر آن حضرت ذکر نمودند که در سیر و تواریخ مشروح است و در آخر هر فصلی در حق امیرالمؤمنین (علیه السلام) حدیثی می‌گفت و می‌گفت: «اللَّهُمَّ هَلْ بَلَغَتْ؟».

در ادامه، بخش مشهور خطبه را آورده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «أَلَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟»؛ «نه من از شما به شما اولی‌ترم؟». قالوا: «بلی»؛ «تقریر کرد تا اقرار دادند. و

پس از تأیید حاضران فرمودند: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلَيْ مَوْلَاهُ اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ»؛ «هر که من مولای اویم علی مولای اوست؛ بار خدایا هر که او را دوست دارد دوستش دار و هر که او را دشمن دارد دشمنش دار و هر که ناصر او باشد ناصرش باش و هر که خاذل او باشد مخدولش کن».

در ادامه می‌نویسد:

[رسول خدا ﷺ] در خیمه رفت و علی را فرمود تا در خیمه دگر رفت برابر خیمه او. آن‌گه صحابه را فرمود و مسلمانانی که حاضر بودند تا فوج فوج می‌شدند و او را تهنیت می‌کردند و بر او سلام می‌کردند بامره المؤمنین (یعنی به لقب امیر مؤمنان) تاجمله صحابه و حاضران تهنیت بکردند. آن‌گه زنان خود را فرمود تا برفتند و تهنیت بکردند. از جمله آنان که در این باب اطناب کردند، عمر بن خطاب بود که گفت: «بِحَّ بَحِّ لَكَ يَا عَلِيُّ اصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ»؛ «خنک تو را ای علی؛ در روز آمدی مولای من و مولای هر مؤمن و مؤمنه».

در پایان نیز اشعار سروده حسان بن ثابت در غدیر خم را نقل نموده تا آن‌جا که پس از اشاره به خطابه خواندن رسول خدا ﷺ برای مسلمانان در غدیر خم و اقرار گرفتن حضرت از مردم که از ایشان تبعیت خواهند کرد، گفته:

فَقَالَ لَهُ قُمْ يَا عَلِيُّ فَاِنْتَنِي
فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا وَلِيَّه

رَضِيْتُكَ مِنْ بَعْدِي اِمَامًا وَ هَادِيًا
فَكُونُوا لَهُ اَنْصَارًا صَدَقَ مَوْلَايَا ...

پیامبر ﷺ فرمود: ای علی برخیز. من خشنودم که تو پس از من پیشوا و هدایت‌گر باشی. هر کس مولایش منم، این علی مولای اوست؛ پس همگی یاوران راستین او باشید...^۱

اکنون قضاوت کنید، واقعاً این که ادعا شود قاضی نورالله شوشتری در مجالس المؤمنین و ابوالفتح رازی در تفسیر خود ادعا کرده‌اند خطابه غدیر به خاطر بدگویی‌ها و شکایات افرادی از امیر المؤمنین (علیه السلام) بوده، تا چه حد دروغ و تحریف‌آمیز است؟

■ راستی آزمایی ادعای صورت گرفته درباره غدیر: منابع اهل تسنن

چنان که ملاحظه شد، قلمداران سه منبع از کتب اهل تسنن را نیز در نقل ماجرای غدیر ذکر کرد: سیره ابن هشام، *البدایة و النهایة* تألیف ابن کثیر دمشقی و همچنین تفسیر وی. در بخشهای قبلی این نوشتار، نقل ابن هشام و ابن کثیر از ماجرای یمن و شکایات و همچنین تحریف‌گری ابن کثیر در این میان بررسی شد. ملاحظه نمودید که بر اساس آنچه در منبع اصلی - یعنی سیره ابن اسحاق - آمده (که ابن کثیر، بخشی از آن را سانسور کرده) شکایت از امیرالمؤمنین علیه السلام و عکس‌العمل رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن و ایراد خطابه در دفاع از امام علیه السلام قبل از اعمال حج - یعنی لااقل ده روز قبل از غدیر خم - انجام شده است.

این مطلب، کاملاً مطابق همان چیزی است که در تفسیر ابوالفتوح و *مجالس المؤمنین* قاضی نورالله شوشتری ذکر شده است. اما در کتاب *شاهراه اتحاد* این طور گزارش شده که امیرالمؤمنین علیه السلام پس از انجام مناسک حج، به سوی گروه مراجعت‌کننده از یمن بازگشتند و آنان را مورد بازخواست قرار دادند. طبعاً، پس از آن بود که این افراد به رسول خدا صلی الله علیه و آله مراجعه و از امام علیه السلام شکایت کردند و بر اساس این ادعا [ی مغایر با مدارک ارائه‌شده] شکایات و واکنش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بعد از اعمال حج بوده است.

■ جمع‌بندی تحریفات صورت گرفته و ابهامات بر جامانده

تا اینجا ماجرای غدیر را به صورت کلی و بر اساس روایت دو عالم شیعی و دو عالم سنی ترسیم کردیم. آنچه به ابوالفتوح رازی، قاضی نورالله شوشتری و حتی ابن هشام نسبت داده شد، کاملاً خلاف واقع است و ابن کثیر دمشقی نیز با تحریف توانسته درباره غدیر خم چنین ادعایی بکند.

■ خلاصه اشکالات وارد بر استنادات قلمداران

ادعای قلمداران مبنی بر نقل واقعه غدیر چنان که در تواریخ اسلامی آمده است، نسبت به تفسیر ابوالفتوح رازی و *مجالس المؤمنین* قاضی نورالله شوشتری، کذب محض است. در هردوی این کتاب‌ها، ماجرای غدیر خم کاملاً مطابق عقاید شیعی گزارش شده است؛ از جمله این که هردو مشتمل‌اند بر: «نزول آیه تبلیغ»، «تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر این که کمال دین، اتمام نعمت و رضایت خداوند از رسالت حضرتش، مبتنی بر ابلاغ پیام غدیر است»،

«تأکید حضرت بر این که پیام غدیر، ولایت حضرت علی (علیه السلام) پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله) است»، «نزدیک بودن رحلت پیامبر»، «حدیث ثقلین»، «حدیث منزلت» و «تأکید رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بر اولی به تصرف بودن خویش» و هم چنین هر دو مشتمل اند بر قراینی که با محدود بودن موضوع خطابه غدیر به (مطلب ساده‌ای مانند) دوستی با حضرت علی (علیه السلام) مغایرت دارند؛ مانند: «سلام کردن همگان به حضرت علی (علیه السلام) با لقب امیرالمؤمنین»، «تبریک عمر بن خطاب برای این که حضرت علی (علیه السلام) مولای او گردیده‌اند» و «تصریح حسان بن ثابت بر این که حضرت علی (علیه السلام) در غدیر، امام و هادی امت معرفی شدند».

ادعای قلمداران درباره سیره ابن هشام نیز مقرون به حقیقت نیست. ابن هشام ماجرای شکایت مراجعین یمن و واکنش قاطع رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در دفاع از امیرالمؤمنین (علیه السلام) را مربوط به قبل از مناسک حج می‌داند و هیچ ارتباطی میان این ماجرا و موضوع غدیر خم قائل نیست، تا چه رسد به این که خطابه غدیر را برای حل و فصل شکایت اعزام‌شدگان یمن دانسته باشد.

قلمداران برای برقرار کردن ارتباط تصنعی میان دو موضوع «شکایات» و «غدیر»، فاصله زمانی این دو حادثه را - بر خلاف واقع - کاهش داده و ادعا کرده است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روز هفتم یا هشتم ذیحجه خود را در مکه به رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسانده و پس از انجام مناسک حج به سوی مأموریت خود برگشته‌اند. این ادعا، با هر چهار منبعی که خود او معرفی کرده مغایر است. هر دو منبع شیعی و نیز ابن هشام تصریح کرده‌اند که ورود مراجعین یمن به مکه، شکایات‌ها و دفاع رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قبل از مناسک حج پایان پذیرفته است. حتی ابن کثیر هم فاصله زمانی را مسکوت و مبهم گذاشته و لذا مؤید ادعای قلمداران نیست. البته این ابهام در گزارش ابن کثیر، تصادفی نیست؛ او که ماجرا را از ابن اسحاق نقل می‌کند، یک جمله را که نشان می‌دهد خطابه دفاعیه رسول خدا (صلی الله علیه و آله) قبل از مناسک حج ایراد شده، حذف نموده است. او نقلیات مربوط به دو سفر امیرالمؤمنین (علیه السلام) به یمن را در هم آمیخته و بلافاصله پس از ذکر «خطابه خواندن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در دفاع از امیرالمؤمنین (علیه السلام) در برابر شاکیان» بدون هیچ توضیح و فاصله‌ای، چند روایت درباره «ایراد خطابه غدیر خم توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در مسیر بازگشت از حجة الوداع» می‌آورد؛ طوری که یکی بودن این دو موضوع را به خواننده القا می‌نماید.

اینها سه مورد از اشکالات ششگانه‌ای است که در این بخش بر ابن کثیر وارد کردیم. سه اشکال دیگر، علاوه بر ابن کثیر، متوجه قلمداران - که به وی استناد جسته - نیز خواهد بود.

■ بروز حقیقت در خلال عبارات شاهراه اتحاد و سانسور آن توسط وهابیان

توجیحات قلمداران در جهت کتمان حقیقت غدیر بر این سیاق بود: «رسول خدا ﷺ که این کیفیت (شکایات) را مشاهده فرمود، بر خود لازم دید که... از شخصیت بارز و ممتاز علی (علیه السلام) دفاع کرده، حضرت را با فضایل عالی‌ای که دارد به مسلمانان معرفی و قضیه را در همان جا حل و فصل نماید»^۱.

قلمداران که خود، نارسایی و سخیف بودن توجیحات فوق در تفسیر واقعه عظیم غدیر را دریافته، در ادامه عبارات جالب توجهی می‌آورد که بعداً توسط افرادی سانسور (اما در سایت‌های اینترنتی منتشر) شده است. متن جملات چنین است:

چه، علاوه بر آن که دفاع از حیثیت یک شخص ممتاز مسلمان بر حضرتش واجب بود، شکی نیست که مایل بود پس از حضرتش، آن بزرگوار زمام‌دار و حاکم و امام مسلمانان باشد؛ لذا در اجتماع غدیر خم به معرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع مسلمانان پرداخت.

عبارات فوق به‌طور تلویحی، این اذعان را در خود دارد که تشکیل مراسمی در ابعاد و عظمت غدیر، نمی‌تواند صرفاً به‌جهت «دفاع از حیثیت یک شخص ممتاز مسلمان»، آن هم در برابر شکایات جمعی محدود باشد. نویسندگان با این جملات، سعی کرده ناسازگاری ادعای خود درباره پیام غدیر را بکاهد و به مخاطب بگوید: «خیلی تعجب و یا انکار نکنید که پیامبر اکرم ﷺ، جمعیتی بسیار انبوه را در بیابانی متوقف کند و برایشان خطابه بخواند تا صرفاً بگوید شکایات مطرح‌شده از حضرت علی (علیه السلام) بیجاست و باید وی را دوست داشت؛ آخر رسول خدا ﷺ قلباً علاقه‌مند بودند که حضرت علی (علیه السلام) جانشین ایشان شوند و لذا مسأله، فقط دوست‌داشتن صرف هم نبوده است!

آقای قلمداران که به تمایل رسول خدا ﷺ بر امارت حضرت علی (علیه السلام) اعتراف کرده و در واقع این تمایل را مصحح تشکیل اجتماع غدیر می‌داند، باید به سؤالاتی پاسخ دهد؛ از جمله: پیامبر اکرم ﷺ در خطابه غدیر - دست کم - به مواردی از قبیل «نزدیک بودن رحلت خود» و «اولی به تصرف بودن خویش بر همه مؤمنان» تأکید ورزیده‌اند و این موارد، با تمایل

۱. قلمداران، شاهراه اتحاد، ۱۵۶.

حضرت به خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) - که به اعتراف آقای قلمداران وجود داشته - و دغدغه جانشینی که بالطبع در ایشان بوده سازگار است؛ نه صرف دوست داشتن؛ پس چرا پیامبر (صلی الله علیه و آله) علی را به تمایل خویش نسبت به زمامداری حضرت علی (علیه السلام) نکرده‌اند؟ آیا خودداری از این کار، در موضوع سرنوشت‌سازی چون خلافت، آن هم در جایی که زمینه فراهم بوده، مغایر خیرخواهی برای امت نبوده است؟ به تعبیر دیگر، آیا آقای قلمداران با تفسیر ساختگی خود، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به مواردی ازین دست متهم نساخته است؟

مؤلف شاهراه اتحاد می‌نویسد:

طبعاً بسیاری از مردم هنوز علی (علیه السلام) را ندیده بودند و به درستی نمی‌شناختند. ممکن بود بر اثر شکایت و گله‌مندی اینان، علی به بدی معرفی می‌شد و رسول خدا... بر خود لازم دید... پیش از آن که امواج این واقعه به مکه برسد و یا این ماجرا در مدینه شایع شود... از شخصیت بارز و ممتاز علی (علیه السلام) دفاع کرده، حضرتش را با فضایل عالی‌ای که دارد به مسلمانان معرفی و... در اجتماع غدیر خم به معرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع مسلمانان پرداخت.

آقای قلمداران - بر اساس این عبارات - رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) را چنان نکته‌سنج و دقیق معرفی کرده که حتی نسبت به موضوعی مانند بدبین نشدن مردم قبایل و شهرها به حضرت علی (علیه السلام) مراقبت بود و به قیمت تشکیل مراسمی عظیم چونان غدیر، تلاش می‌کند تا مردمی که «بسیاری از آنان هنوز علی (علیه السلام) را ندیده بودند و به درستی نمی‌شناختند» به آن جناب بدگمان نشوند. اما خود وی با تحریفش، همین پیامبر بزرگوار را چنان معرفی می‌کند که درباره دغدغه خویش نسبت به مسأله حیاتی خلافت، سکوت می‌کند و با این که همین علی (علیه السلام) شخص مورد نظر ایشان برای زمامداری است، کلمه‌ای در این باره نمی‌فرماید!! با این تناقض‌گویی آقای قلمداران چه باید کرد؟

مجدداً یادآور می‌شویم که به ادعاهایی از این دست، اشکالات بسیاری از جهات مختلف وارد است و این که ما به برخی از جنبه‌های اشکال می‌پردازیم، به معنای انحصار ضعف‌های این مدعیات به موارد مذکور نیست. هر کس نیم‌نگاهی به انبوه قراین و شواهد حاکی از حقیقت

غدیر داشته باشد، حقارت ادعاهایی از قبیل موارد بالا را قویاً درخواهد یافت و همواره این دغدغه، امثال نگارنده را می‌آزارد که از قاب محدود نوشتاری مختصر، نتوان حق این عظمت و حقارت تلاش‌های حق‌ستیز را نمایاند.

■ تحریف عبارات شاهراه اتحاد

ملاحظه شد که مبلغین ضدشيعی، عباراتی از کتاب شاهراه اتحاد را که خلاف منویات آنان است و سرنخ «حقیقت پیام غدیر» را به‌دست می‌دهد، حذف کرده‌اند. در ابتدای نسخه منتشر شده در اینترنت آمده است:

پیش از این، کتاب شاهراه اتحاد دوبار تکثیر و توزیع گشت؛ نخستین بار، این کتاب با تایپ دستی و به صورتی نامناسب و نامرتب، به تعدادی محدود، میان برادران ایمانی توزیع گردید. دومین بار با تایپ «I.B.M» به صورتی مغشوش و با اغلاط بسیار زیاد و جابه‌جایی مطالب و... تکثیر گردید. اینک اولین بار است که نسخه مصحح و منقح این کتاب با آخرین تصحیحات و اضافات مؤلف، همراه با متن کامل مقدمه و حواشی ... «سید ابوالفضل ابن الرضا برقی قمی» در اختیار برادران ایمانی و اهل تحقیق قرار می‌گیرد.

نگارنده، دو نسخه از این کتاب را در اختیار دارد. اولی، همان نسخه منتشر شده به صورت «تایپ دستی و نامناسب» است. در ابتدای نسخه دوم - که کیفیت بهتری دارد - توضیحات فوق، عیناً ذکر شده که نشان می‌دهد این نسخه کاغذی، آخرین نسخه منتشره از کتاب شاهراه اتحاد و همان است که نسخه اینترنتی آن نیز منتشر شده است. بنابراین، نسخه دوم حاوی آخرین تصحیحات و اضافات مؤلف است؛ اما در انتشار اینترنتی آن، تحریقاتی صورت پذیرفته است. در هر دو نسخه یادشده (نسخه‌های کاغذی)، عبارات زیر از مؤلف وجود دارد: «شکی نیست که [رسول خدا ﷺ] مایل بود پس از حضرتش، آن بزرگوار [حضرت علی (علیه السلام)] زمام‌دار و حاکم و امام مسلمانان باشد؛ لذا در اجتماع غدیر خم به معرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع مسلمانان پرداخت...».

تصویر صفحات مربوط را در زیر ملاحظه کنید:
تصویر نسخه تایپ دستی (قطع A۴)، صفحه ۴۵:

رسول خدا این کیفیت را دید و شنید ، لذا برخورد لازم دید
که قبل از آنکه آنهمه مردم مسلمان که از گوشه و کنار جهان در یک اجتماع گرد می‌بودند متفرق گردند
او شخصیت بارز و ممتاز علی دفاع آورده و حضرتش را با فضائل عالی که دارد به مسلمانان
معرفی نماید چه علاوه بر آنکه دفاع از حیثیت یک شخصی ممتاز مسلمان بر حضرتش واجب بود
شکی نیست که ملائکه داشت پس از حضرتش آن جناب زمامدار و امام مسلمانان باشد لذا در
اجتماع غدیر خم بمعرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع مسلمانان پرداخت

تصویر نسخه تصحیح شده، صفحه ۷۷:

..... رسول خدا که این کیفیت را مشاهده فرمود،
لذا برخورد لازم دید که قبل از آنکه آنهمه مسلمان که از گوشه و
کنار جهان برای ادای فریضه حج اجتماع کرده و اکنون در مسیر
بازگشت بودند، متفرق گردند و پیش از آنکه امواج این واقعه به
مکه برسد و یا این ماجرا در مدینه شایع شود و مردم مدینه تحت
تأثیر آن قرار گیرند، از شخصیت بارز و ممتاز علی(ع) دفاع کرده و
حضرتش را با فضائل عالی که دارد به مسلمانان معرفی و قضیه را در
همانجا حل و فصل نماید چه علاوه بر آنکه دفاع از حیثیت یک شخص
ممتاز مسلمان بر حضرتش واجب بود شکی نیست که مایل بود پس از
حضرتش آن بزرگوار زمامدار و حاکم و امام مسلمانان باشد لذا در
اجتماع غدیر خم به معرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع مسلمانان
پرداخت

تصویر نسخه منتشر شده در اینترنت، صفحه ۸۱:

رسول خدا که این کیفیت را مشاهده فرمود، لذا برخورد لازم دید که قبل
از آنکه آن همه مسلمان که از گوشه و کنار جهان برای ادای فریضه حج اجتماع
کرده و اکنون در مسیر بازگشت بودند، متفرق گردند و پیش از آنکه امواج این
واقعه به مکه برسد و یا این ماجرا در مدینه شایع شود و مردم مدینه تحت تأثیر
آن قرار گیرند، از شخصیت بارز و ممتاز علی علیه السلام دفاع کرده و حضرتش
را با فضائل عالی که دارد به مسلمانان معرفی و قضیه را در همانجا حل و فصل
نماید علاوه بر آن دفاع از حیثیت یک شخص ممتاز مسلمان بر حضرتش واجب
بود لذا در اجتماع غدیر خم به معرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع
مسلمانان پرداخت

درباره اهمیت این عبارات و نتایج حاصل از آن‌ها، پیش‌تر توضیح دادیم. اکنون تأکید ما بر تحریف‌گری مخالفان تشیع است. آنان در جریان انتشار اینترنتی آخرین نسخه تصحیح شده شاهراه اتحاد، در جهت اهدافی که نه علمی است و نه اخلاقی، دست به تحریفاتی در متن کتاب زده‌اند که مورد ذکر شده، تنها یکی از آن‌هاست.

در بخش مورد بحث ما از کتاب، تحریفات دیگری نیز شده که اهمیّتش به اندازه مورد فوق نیست؛ اما در تبیین روش‌های مخالفین و جهت‌گیری حق‌پوشانه و غیرمنصفانه آنان مفید است. در این جا بخش یادشده از متن نسخه اینترنتی را بازگو و عبارت حذف‌شده توسط مخالفان را اضافه می‌کنیم؛^۱ عبارات قلمداران درباره توییح متصرفان در اموال عمومی توسط امیرالمؤمنین (علیه السلام):

این رفتار آن جناب که عین صواب بود بر اصحاب که خود ارباب رجال و رکاب بودند سخت گران آمد و از آن حضرت دل‌گیر و ناراحت شدند [در نسخه اصل: کینه آن حضرت را در دل گرفتند و آماده انتقام شدند] و کسانی را به خدمت رسول خدا (ص) فرستاده و یا خود مستقیماً مراجعه نموده و از خشونت و شدت سخت‌گیری آن جناب شکایت نمودند [در نسخه اصل: به حدی که طبق مفهوم پاره‌ای از اخبار، در حضور رسول خدا او را دشنام دادند و چون در هنگامی که رسول خدا (ص) بیانات شکایت‌آمیز آنان را استماع می‌فرمود، مشاهده می‌کردند که رسول خدا (ص) از خشم برافروخته می‌شود، به تصور این که حضرتش نسبت به علی (علیه السلام) خشمگین شده، با حدّ بیش‌تر شکایت خود را بنا بدگویی از آن بزرگوار ادامه می‌دادند] رسول خدا (ص) پس از استماع شکایت آنان، ایشان را از ناراحتی و ناراضی‌تبی از علی (علیه السلام) منع فرمود و پاره‌ای از فضایل آن حضرت را بیان کرد و فرمود: «ارفعوا ألسنتکم عن علیّ فإنّه خشن فی ذات الله غیر مداهن فی دینه»؛ «زبان خویش را از علی باز دارید؛ زیرا او درباره دین خدا خشن بوده و در امور دین سهل‌انگار نیست». اما خالد و بریده و دیگران که قبل از ملاقات

۱. طبعاً بررسی جامع تحریفات کتاب، کار جداگانه‌ای می‌طلبد.

رسول خدا ﷺ از گله‌مندی از علی (علیه السلام) نزد دیگران مضایقه نکرده بودند [در نسخه اصل: و شاید بعد از آن نیز به همان عمل ادامه داده باشند]، طبعاً بسیاری از مردمی که هنوز علی (علیه السلام) را ندیده بودند و به درستی نمی‌شناختند ممکن بود بر اثر شکایت و گله‌مندی اینان، علی (علیه السلام) به بدی معرفی می‌شد و رسول خدا ﷺ که این کیفیت را مشاهده فرمود، لذا بر خود لازم دید ... از شخصیت بارز و ممتاز علی (علیه السلام) دفاع کرده و حضرتش را با فضایل عالی‌ای که دارد به مسلمانان معرفی و قضیه را در همان جا حل و فصل نماید [چه] علاوه بر آن، دفاع از حیثیت یک شخص ممتاز مسلمان بر حضرتش واجب بود [در نسخه اصل: شکی نیست که مایل بود پس از حضرتش، آن بزرگوار زمام‌دار و حاکم و امام مسلمانان باشد] لذا در اجتماع غدیر خم به معرفی آن جناب و وجوب دوستی او بر جمیع مسلمانان پرداخت.

ملاحظه شد که حذیفات انجام گرفته تا چه حد هدفمند و حساب شده است. تمام تلاش مخالفان در بحث فوق، آن است که ماجرای عظیم غدیر را در حادثه کوچکی مانند یک شکایت خلاصه کنند؛ که البته - همان طور که تبیین شد - امری است ناشدنی. آنان در جهت این هدف، هر قدر بتوانند به آن شکایت، رنگ و لعاب بیش‌تری بدهند، برایشان کارسازتر است؛ اما تحریفگران، ملاحظات دیگری نیز دارند؛ آنان نمی‌خواهند بیان شود که شاکیان، نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) کینه‌ورز و انتقام‌جو بودند و حتی به ایشان در حضور رسول خدا ﷺ دشنام دادند. برخی شاکیان، به‌ویژه خالد بن ولید، پس از مخالفت جدی رسول خدا ﷺ نیز به بدگویی از امیرالمؤمنین (علیه السلام) ادامه دادند. از طرفی آن‌ها نمی‌خواهند در بازگویی دفاع پیامبر اکرم ﷺ از حضرت امیر (علیه السلام)، شدت و حدت این دفاع، به‌طور کامل بازگو شود؛ مواردی مانند این که «رسول خدا ﷺ با شنیدن شکایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام)، از خشم برافروخته شدند». هم‌چنین نمی‌خواهند هیچ مطلبی دربارهٔ خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بازگو شود، حتی در حد «یقین آقای قلمداران دربارهٔ تمایل قلبی پیامبر اکرم ﷺ به خلافت امیرالمؤمنین (علیه السلام)».

البته دریافتن انگیزه این تحریفات، تأمل بیش‌تری می‌طلبد. آنان نه می‌خواهند جایگاه واقعی امیرالمؤمنین (علیه السلام) بیان شود و نه شخصیت واقعی برخی اصحاب که در نظریه‌های آنان، نقش

و جایگاه ویژه‌ای دارند. همچنین تبیین فضای کینه‌ورزانه‌ای که قبل از رحلت رسول خدا ﷺ نسبت به امیرالمؤمنین (علیه السلام) وجود داشته، به شیعه کمک می‌کند تا دربارهٔ زوایایی از ماجرای غدیر و حوادث پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ روشن‌گری کند و این مطلوب تحریف‌گران نیست.

فهرست منابع

- ابن ابی شیبیه الكوفي، أبوبكر عبدالله بن محمد، مصنف ابن أبي شيبة (المصنف في الأحاديث والآثار)، بيروت، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع، ۱۴۰۹ق.
- ابن حنبل، أحمد بن محمد، مسند، بيروت، دار صادر، بی تا.
- ابن کثیر، اسماعیل، البداية و النهاية، بيروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ق.
- ابن هشام، عبدالملک، السيرة النبوية، مصر، مكتبة محمد علي صبيح، ۱۳۸۳ق.
- رازی، ابوالفتوح، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی (علیه السلام)، ۱۴۰۸ق.
- حسینی قزوینی، سید محمد، حدیث الغدير و شبهة شکوی جيش الیمن، قم، مؤسسه ولی العصر (علیه السلام) للدراسات الاسلامیة، ۱۴۲۸ق.
- شوشتری، قاضی نور الله، مجالس المؤمنین، نسخه خطی مجلس شورای اسلامی.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، مکتب نشر الثقافة الإسلامیة، ۱۴۰۸ق.
- قلمداران، حیدرعلی، شاهراه اتحاد، بی تا، بی تا.
- نسایی، احمد بن شعيب، الخصائص الكبرى، تهران، مکتبه نبوی، بی تا.
- _____، السنن الكبرى، بيروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.
- نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.